

مقایسه سبک‌های دل‌بستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در بیماران مبتلا به اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم شهر اصفهان.

مهران روزبھی

Mehran roozbehi

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

Roozbehi93@gmail.com

سجاد روئین تن

Sajad roientan

آرزو همام زاکری لنگرودی

Arezoo homam zakeri langeroudi

نرگس قاسمی

Narges ghasemi

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش مقایسه سبک‌های دل‌بستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در افراد مبتلا به اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم شهر اصفهان بود. روش پژوهش: این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد مبتلا به اختلال شخصیت خوشه C مراجعه به کلینیک‌های درمانی و همراهان بیماران که مبتلا به اختلال شخصیت خوشه C و یا هر بیماری مزمن دیگری نباشند بود. که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به تعداد ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر از بیماران مبتلا اختلال شخصیت خوشه C و ۵۰ نفر از همراهان بیماران مبتلا به اختلال شخصیت خوشه C)، انتخاب شدند. یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین سبک‌های دل‌بستگی، اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه در بیماران دارای اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج: نتایج پژوهش به جز در خرده‌مقیاس‌های ایثار، معیارهای سرسختانه و استحقاق، بین میانگین نمرات دیگر خرده‌مقیاس‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دو گروه اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین تفاوت معناداری بین میانگین نمرات ابعاد سبک دل‌بستگی ایمن، سبک دل‌بستگی ناپمن اجتنابی و سبک دل‌بستگی ناپمن دوسوگرا در دو گروه اختلالات شخصیت خوشه اضطراب (خوشه C) و افراد سالم وجود دارد. واژه‌های کلیدی: سبک‌های دل‌بستگی، طرحواره، ناسازگار اولیه، اختلالات شخصیت، خوشه C.

مقدمه

اختلال‌های شخصیت^۱ از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی و پزشکی است و روان‌پزشکان متخصصان بهداشت روانی به این اختلال‌ها توجه زیادی دارند. اختلالات شخصیت‌الگویی پایدار از تجربه رفتار شخصی هستند که آشکارا با انتظارات فرهنگ فرد مغایرت دارند، فراگیر ثابت هستند و باعث و انعطاف‌ناپذیر هستند و در دامنه وسیعی از موقعیت‌های ارتجاعی رواج داشته، در طول زمان درماندگی یا نارسایی می‌شوند و معمولاً شروع آن‌ها در نوجوانی یا شروع جوانی است. در این اختلالات، ویژگی‌های پایدار شخص مانع ارتباط مناسب فرد با محیط می‌شود و عملکرد فردی و اجتماعی او را مختل می‌کند (دیویدسون^۲، ۲۰۰۹).

اختلالات شخصیت از دوران کودکی شروع شده و در تمام دوران بزرگسالی ادامه می‌یابد. اختلالی شایع و مزمن می‌باشد. عمومیت و رواج انواع اختلالات شخصیتی به‌طور دقیق و واضح مشخص نمی‌باشد و بسته به نوع اختلال، متفاوت می‌باشد. شیوع این اختلال‌ها در جمعیت عادی بین ۱۱ تا ۲۳ درصد گزارش شده که رقمی هشداردهنده است. یعنی از هر ۴ تا ۱۰ نفر، بدون توجه به وضعیت اقتصادی، اجتماعی، یک نفر مبتلا به اختلال شخصیت است. همچنین حدود نیمی از بیماران روان‌پزشکی دچار اختلال شخصیت هستند که همراه با اختلالات محور I است (راهنمایی تشخیصی، ۲۰۱۴؛ به نقل از سید محمدی، ۱۳۹۳).

اختلالات شخصیت شامل سه خوشه است که عبارت‌اند از: اختلالات خوشه A شامل اختلالات پارانویید^۳، اسکیزوئید^۴ و اسکیزوتایپی^۵. افراد مبتلا به این اختلالات اغلب غیرعادی، نامتعارف و غریب به نظر می‌رسد و اختلالات خوشه B شامل اختلالات ضداجتماعی^۶، مرزی^۷، نمایشی^۸ و خودشیفته^۹. این افراد اغلب نمایشی، هیجانی یا دم‌دمی به نظر می‌آیند و اختلالات خوشه C شامل اختلالات اجتنابی^{۱۰}، وابسته^{۱۱}، وسواسی-جبری^{۱۲} که افراد مبتلا به این اختلال‌ها اغلب مضطرب یا بیمناک به نظر می‌رسند (کارلوپریس و همکاران، ۱۳۸۶).

اختلالات شخصیت دسته ی C (دوری‌گزین^{۱۳}، وابسته، وسواسی-جبری و اختلال شخصیت نامعین^{۱۴}) ممکن است مبنای وراثتی داشته باشند. بیماران دچار اختلال شخصیت دوری‌گزین اغلب سطح اضطراب بالایی دارند. همگامی صفات وسواسی-جبری در دوقلوهای تک تخمکی بیشتر از دوقلوهای دو تخمکی است و افراد مبتلا به اختلال شخصیت وسواسی-جبری برخی از علایم افسردگی را هم دارند (کارلوپریس و همکاران، ۱۳۸۶).

¹ Personality disorders

² Davidson

³ Paranoid

⁴ Schizoid

⁵ Schizotypy

⁶ antisocial

⁷ Border

⁸ Dramatic

⁹ Narcissistic

¹⁰ Avoidant disorder

¹¹ Dependent

¹² Obsessive-Compulsive Disorder

¹³ Avoidance

¹⁴ Unspecified personality disorder

اخيراً محققان از نظریه دلبستگی برای درک اختلالات روانی و شخصیتی استفاده کرده‌اند در اینجا عوامل ارتباطی به مثابه علت فرضی مورد توجه قرار گرفته است با شروع مطالعات اولیه بررسی دلبستگی و آسیب‌شناسی روانی در دهه گذشته، نظریه دلبستگی به مطالعه نقش دوران پس از کودکی پرداخته است این نظریه می‌تواند چارچوب تحولی قاطعی برای درک این سؤال که چگونه روابط صمیمانه و نزدیک اولیه و بعدی بر ساختار شخصیتی، عاطفی و شناختی اثر می‌گذارد، فراهم سازد (بشارت، ۱۳۸۸).

اینثورت^۱ (۲۰۰۳) سبک‌های دلبستگی را به دو سبک ایمن و نایمن طبقه‌بندی کرد که سبک نایمن خود شامل سبک دل‌بستگی دوسو گرا و سبک دلبستگی اجتنابی است از نظر او دلبستگی برای رشد روانی و عادی، تحول شخصیت به هنجار و روابط هیجانی سالم ضروری است. دلبستگی، اساس سلامت هیجانی، روابط اجتماعی و نگرش به هنجار فرد به دنیا تلقی می‌شود. پالبی^۲ (۱۹۹۲) معتقد است تحول دلبستگی زمینه‌ساز شکل‌گیری شخصیت به هنجار و یا نابهنجار در افراد است به نظر می‌رسد در افراد مبتلا به اختلالات شخصیت الگوهای عملی درونی از «خود» و «دیگری» ناکارآمد بوده و به روزآوری نشده باشند. در نتیجه انعطاف ناپذیر بوده و پردازش اطلاعات را دفاعی و انتخابی کرده و تحول را به درون مسیر غیر بهینه منحرف می‌سازند این فرآیندهای دفاعی زمینه انواع اختلالات را در شخصیت فرد فراهم می‌سازند. جان پالبی (۱۹۹۲)، بر اساس مشاهده ویژگی‌های روابط مادر-کودک در موقعیت‌های مختلف به این نتیجه رسید که پیوندهای مادر-کودک مسئول تنظیم تجربه‌های عاطفی و رفتاری او هستند. الگوهای عمل انسان تحت تأثیر تجارب مکرر روزانه کودک با چهره‌های دلبستگی ساخته می‌شوند. بنابراین تجسمات چهره‌ی دلبستگی در ابتدای دوران کودکی شکل می‌گیرد و به وسیله‌ی این الگوها فرد وقایع و محیط اطراف خود را درک کرده و آن‌ها را ارزیابی می‌کند. عوامل مختلفی در اختلالات شخصیت مؤثر هستند، نوعی از شناخت‌ها که در رابطه با اختلالات شخصیت مهم می‌باشند طرحواره‌ها هستند. طرحواره‌ها سازه‌هایی هستند که بر اساس واقعیت یا تجربه شکل می‌گیرند و به‌عنوان واسطه پاسخ‌های رفتاری افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (اپشتاین و باکوم^۳، ۲۰۰۸؛ به نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹). طرحواره‌ها از ابتدای زندگی شکل گرفته و در تمام طول زندگی، فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (یانگ، ۱۹۹۴)، طرحواره‌های ناسازگار اولیه باورهایی هستند که افراد درباره خود و دیگران و محیط دارند، و به‌طور معمول از ارضا نشدن نیازهای اولیه به‌خصوص نیازهای عاطفی در دوران کودکی سرچشمه می‌گیرند (یانگ^۴ و همکاران، ۲۰۰۳). از آنجا که طرحواره‌ها بنیادهای شناختی فرد را تشکیل داده و می‌توانند رفتارهای فرد را شکل داده و به آن سمت و سو دهند، لذا می‌توان بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان بخش زیرین و سخت شناخت‌های افراد که اغلب در دوره‌های تحولی رشد شکل گرفته‌اند، با رفتارهای ناسازگارانه در مقاطع بعدی رشد افراد، رابطه برقرار کرد (ویلبرگ^۵ و همکاران، ۲۰۱۰؛ به نقل از اویسی و بخشانی، ۱۳۹۱). در پژوهشی که توسط پلاتز^۶ و همکاران (۲۰۱۰) انجام گرفت نشان داد که گروه دارای سبک بیمناک درجه‌ی بیشتری از طرحواره‌های ناسازگار را داشتند که به‌وسیله‌ی گروه دل‌مشغول دنبال می‌شود و نتایج تحقیقات پور محمد و همکاران (۱۳۹۱)، واتز^۷ (۲۰۰۳) و تیم^۸ (۲۰۱۰)، میسون^۹ (۲۰۰۵؛ به نقل از بشارت، ۱۳۸۸)، پالبی و همکاران (۲۰۰۱)؛ به نقل از ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۷) و اندوز و حمیدپور (۱۳۸۹)، رابطه بین سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه را تایید می‌کند. با توجه به اهمیت و نقش سبک

¹ Ainsworth

² Bowlby

³ Epstein and Bakvm

⁴ Young

⁵ Wilberg

⁶ Platts

⁷ Watts

⁸ Team

⁹ Mason

های دلبستگی، طرحواره های ناسازگار اولیه در شکل گیری و تداوم اختلال های روانی هدف پژوهش حاضر آن است که ببیند آیا سبک های دلبستگی، طرحواره های ناسازگار اولیه در بیماران مبتلا به اختلال شخصیت خوشه C با افراد سالم تفاوت دارد؟ یا خیر؟

روش تحقیق

این پژوهش از نوع علی - مقابسه ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد مبتلا به اختلال شخصیت خوشه سه C مراجعه به کلینیک های درمانی قسمت مرکزی شهر اصفهان هستند. برای اجرای این پژوهش ابتدا افراد نمونه به شیوه نمونه گیری تصادفی - ساده از بین بیماران مبتلا اختلال شخصیت خوشه سوم اضطراب و گروه دوم همراهان بیماران مبتلا به اختلال شخصیت خوشه سوم اضطراب و یا هر بیماری مزمن دیگری نباشند به تعداد ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر از بیماران مبتلا اختلال شخصیت خوشه C و ۵۰ نفر از همراهان بیماران مبتلا به اختلال شخصیت خوشه C)، انتخاب شدند. در مرحله بعد با آزمودنی ها در مورد هدف این پژوهش و چگونگی پاسخگویی به پرسشنامه ها (مقیاس دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور^۱ (۱۹۸۷) پرسشنامه طرحواره یانگ (۱۹۹۴) صحبت شد. سپس پرسشنامه ها نمره گذاری شدند و داده های به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. در سطح آمار توصیفی، ویژگیهای جمعیت شناختی، میانگین و انحراف استاندارد نمرات آزمودنی ها در ابعاد مختلف پرسشنامه ها گزارش خواهد شد. در سطح آمار استنباطی با توجه به فرضیات تحقیق از تحلیل واریانس یک راهه و یا با آزمون t مستقل استفاده شد. در این پژوهش از دو پرسشنامه استفاده شد:

۱- فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ (SF-YSQ): این پرسشنامه برای اندازه گیری طرحواره های ناسازگار اولیه که توسط یانگ (۱۰) با ۷۵ سوال، مقیاس پاسخگویی ۶ درجه ای لیکرت (کاملاً نادرست=۱، تا کاملاً درست=۶) و ۱۵ خرده مقیاس شامل محرومیت هیجانی، طرد/هاشده گی، بی اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی، نقص/شرم، شکست، وابستگی/بی کفایتی، آسیب پذیری به ضرر، گرفتاری/در دام افتادگی، اطلاعات، از خود گذشتگی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه، استحقاق، خویشتن داری و خود انضباط ناکافی تهیه و آماده اجرا شده است. هر ۵ سوال این مقیاس مربوط به یک طرحواره و برای به دست آوردن نمره طرحواره ها، میانگین نمره در هر سوال ۵ محاسبه می شود. در هر کدام از طرحواره ها، که فرد نمره بیشتری کسب کند آن طرحواره به عنوان طرحواره ترجیحی وی در نظر گرفته می شود. اولین پژوهش جامع درباره ویژگی های روان سنجی این طرحواره ها را اسمیت، جونز و یانگوتلج (یانگ، ۲۰۰۵) انجام دادند و ضریب آلفای کرونباخ در جمعیت غیر بالینی برای خرده مقیاس های این پرسشنامه را بین ۰/۵ تا ۰/۸۲ به دست آوردند. همچنین این پژوهشگران نشان دادند پرسشنامه طرحواره یانگ با مقیاس های پریشانی روانشناختی و اختلالات شخصیت همبستگی بالایی دارد و بنابراین از روایی مطلوبی برخوردار است (اسمیت، جونز و یانگوتلج (یانگ، ۲۰۰۵). این پرسشنامه را در ایران آهی (یوسفی، ۲۰۱۱) ترجمه و آماده اجرا کرده و همسانی درونی آن را برحسب آلفای کرونباخ در گروه مونث ۰/۹۷ و در گروه مذکر ۰/۹۸ گزارش کرده است. در پژوهش یوسفی (۲۰۱۱)، آلفای کرونباخ محرومیت هیجانی برابر با ۰/۸۰، برای طرد/رها شدگی برابر با ۰/۸۷، برای بی اعتمادی/بدرفتاری برابر با ۰/۷۷، برای انزوای اجتماعی برابر با ۰/۷۰، برای نقص/شرم برابر با ۰/۸۳، برای شکست در پیشرفت برابر با ۰/۸۴، برای وابستگی/بی کفایتی برابر با ۰/۸۰، برای آسیب پذیری به ضرر برابر با ۰/۷۳، برای گرفتاری/در دام افتادگی برابر با ۰/۷۱، برای اطلاعات برابر با ۰/۷۰، برای از خود گذشتگی برابر با ۰/۷۱، برای بازداری هیجانی برابر با ۰/۷۹، برای معیارهای سرسختانه برابر با ۰/۷۸، برای استحقاق برابر با ۰/۶۶، برای نقص خویشتن داری و خود انضباط ناکافی برابر با ۰/۷۱ و برای کل پرسشنامه برابر ۰/۹۰ به دست آمد.

۲- مقیاس دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور (۱۹۸۷): این مقیاس که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) و در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است، یک پرسشنامه دو قسمتی می باشد. در قسمت اول سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی

¹ Hazan and shaver

و دوسوگرا بر حسب ۲۱ سوال در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (هیچ ؛ کم ؛ متوسط ؛ زیاد ؛ خیلی زیاد) از هم متمایز می شوند. ضریب آلفای کرونباخ پرسشهای هر یک از زیر مقیاس های ایمن ، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (n=۲۴۰؛ بشارت، ۱۳۷۹) برای کل آزمودنی ها به ترتیب ۰/۷۴ ، ۰/۷۲ ، ۰/۷۲ ؛ می باشد.

اعتبار و پایایی پرسشنامه

ضریب همبستگی بین نمره های آزمودنی های دختر و پسر به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۷ بود. اعتبار و پایایی : ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس دلبستگی بزرگسالان برای یک نمونه ۳۰ نفری در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی ها ۰/۹۲ بوده است.

یافته ها

در قسمت آمار توصیفی به طور کلی ۴۸٪ از کل آزمودنی ها مرد و ۵۲٪ از آنها زن می باشند. اکثر افراد در هر دو گروه دارای اختلال شخصیت خوشه C (۴۸٪) و سالم (۴۸٪) در دامنه سنی ۳۰-۴۲ سال قرار دارند که جمعاً ۴۸٪ از فراوانی کل متغیر سن را در بر می گیرد و کمترین آزمودنی ها یعنی ۲۱٪ از فراوانی کل (و به ترتیب ۲۲٪ از گروه افراد دارای اختلال شخصیت خوشه C و ۲۰٪ از گروه افراد سالم) در دامنه سنی ۴۲-۵۰ سال قرار گرفته اند. به طور کلی ۲۵٪ از آزمودنی ها در طبقه تحصیلی سیکل، ۳۴٪ در طبقه تحصیلی دیپلم و ۴۱٪ در طبقه تحصیلی لیسانس و بالاتر قرار دارند که این مقادیر به ترتیب برای گروه افراد دارای اختلال شخصیت خوشه C ، ۲۶٪، ۳۲٪ و ۴۲٪ و برای گروه افراد سالم ۲۴٪، ۳۶٪ و ۴۰٪ بوده است. به طور کلی ۷۴٪ از کل آزمودنی ها متأهل و ۲۶٪ از آنها مجرد می باشند. همچنین ۵۸٪ آزمودنی ها شاغل و ۲۳٪ بیکار بوده اند. همچنین در گروه افراد دارای اختلال شخصیت خوشه C ، بیشترین میزان اختلال شخصیت (۳۶٪) مربوط به اختلال شخصیت وسواس- اجباری و بعد از آن کمترین میزان اختلال شخصیت به ترتیب مربوط به اختلال شخصیت وابسته (۳۴٪) و اختلال شخصیت اجتنابی (۳۰٪) بوده است.

شاخص های توصیفی ابعاد مقیاس سبک های دلبستگی در دو گروه افراد دارای اختلال شخصیت خوشه C و افراد سالم در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. شاخص های توصیفی سبک های دلبستگی آزمودنی ها به تفکیک دو گروه

متغیر	اختلال شخصیت C (n=۵۰)		سالم (n=۵۰)	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
ایمن	۲۰/۷۲	۵/۴۳	۲۵/۴۰	۵/۳۰
ناایمن اجتنابی	۲۱/۷۲	۳/۳۴	۱۸/۱۶	۳/۵۰
ناایمن دوسوگرا	۲۳/۵۲	۴/۳۴	۱۹/۴۲	۴/۳۸

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود، میانگین و انحراف استاندارد نمرات گروه افراد دارای اختلال شخصیت خوشه C در بعد سبک دلبستگی ایمن به ترتیب برابر با ۲۰/۷۲ و ۵/۴۳، در بعد سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی به ترتیب برابر با ۲۱/۷۲ و ۳/۳۴ و در بعد سبک

دلبستگی نایمن دوسوگرا به ترتیب برابر با ۲۳/۵۲ و ۴/۳۴ می‌باشد. همچنین با توجه به جدول ۱، میانگین و انحراف استاندارد نمرات گروه افراد سالم در بعد سبک دلبستگی ایمن به ترتیب برابر با ۲۵/۴۰ و ۵/۳۰، در بعد سبک دلبستگی نایمن اجتنابی به ترتیب برابر با ۱۸/۱۶ و ۳/۵۰ و در بعد سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا به ترتیب برابر با ۱۹/۴۲ و ۴/۳۸ می‌باشد.

شاخص های توصیفی مقیاس طرحواره های ناسازگار اولیه در دو گروه افراد دارای اختلال شخصیت خوشه C و افراد سالم در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. شاخص های توصیفی طرحواره های ناسازگار اولیه آزمودنی ها به تفکیک دو گروه

سالم (n=۵۰)		اختلال شخصیت C (n=۵۰)		متغیر
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۲/۷۱	۱۰/۱۲	۲/۵۴	۱۳/۹۲	محرومیت هیجانی
۳/۲۰	۱۲/۹۸	۲/۳۹	۱۵/۹۶	رهاشدگی
۲/۷۹	۱۵/۴۴	۲/۰۹	۱۷/۰۶	بی اعتمادی - بد رفتاری
۲/۸۱	۱۲/۹۸	۱/۷۱	۱۶/۰۲	انزوای اجتماعی - بیگانگی
۲/۸۸	۱۰/۷۲	۲/۲۸	۱۲/۵۶	نقص - شرم
۳/۴۹	۱۰/۵۸	۳/۰۸	۱۳/۲۴	شکست خورده
۲/۹۵	۸/۸۰	۱/۵۰	۱۱/۳۸	وابستگی - بی کفایتی
۳/۱۸	۱۰/۸۸	۱/۶۹	۱۳/۲۶	آسیب پذیری در برابر ضرر و بیماری
۳/۰۹	۱۰/۵۸	۲/۰۴	۱۴/۰۲	گرفتار
۳/۱۳	۹/۶۴	۱/۵۳	۱۲/۲۲	اطاعت
۳	۱۱/۷۸	۲/۳۱	۱۲/۳۶	ایثار
۲/۸۴	۱۳/۱۴	۲/۲۷	۱۶/۰۸	بازداری هیجانی
۳/۰۳	۱۵/۲۶	۲/۳۱	۱۶/۳۰	معیارهای سرسختانه
۳/۵۳	۱۳/۹۲	۲/۵۸	۱۴/۸۰	استحقاق
۳/۵۱	۱۳/۸۴	۲/۱۵	۱۶/۹۶	خویشترن داری - خودانضباطی ناکافی

بر اساس یافته های مندرج در جدول ۲، و با توجه به تعداد زیاد متغیرها و به منظور خلاصه گویی و طولانی نشدن مطلب به عنوان مثال میانگین و انحراف استاندارد نمرات خرده مقیاس محرومیت هیجانی برای آزمودنی های گروه افراد دارای اختلال شخصیت خوشه C به ترتیب برابر با ۱۳/۹۲ و ۲/۵۴ و برای آزمودنی های گروه افراد سالم به ترتیب برابر با ۱۰/۱۲ و ۲/۷۱ بوده است. میانگین و انحراف استاندارد نمرات برای آزمودنی های گروه افراد دارای اختلال شخصیت خوشه C در خرده مقیاس رهاشدگی به ترتیب برابر با ۱۵/۹۶ و ۲/۳۹، در خرده مقیاس های بی اعتمادی - بد رفتاری به ترتیب برابر با ۱۷/۰۶ و ۲/۰۹، در خرده مقیاس انزوای اجتماعی - بیگانگی به ترتیب برابر با ۱۶/۰۲ و ۱/۷۱ و در خرده مقیاس نقص - شرم به ترتیب برابر با ۱۲/۵۶ و ۲/۲۸ می‌باشد. همچنین میانگین و انحراف استاندارد نمرات برای آزمودنی های گروه افراد سالم در خرده مقیاس رهاشدگی به

ترتیب برابر با ۱۲/۹۸ و ۳/۲۰، در خرده مقیاس بی اعتمادی- بد رفتاری به ترتیب برابر با ۱۵/۴۴ و ۲/۷۹، در خرده مقیاس انزوای اجتماعی- بیگانگی به ترتیب برابر با ۱۲/۹۸ و ۲/۸۱ و در خرده مقیاس نقص- شرم به ترتیب برابر با ۱۰/۷۲ و ۲/۸۸ می باشد. با توجه به جدول ۲، میانگین و انحراف استاندارد نمرات آزمودنی های گروه افراد دارای اختلال شخصیت خوشه C در خرده مقیاس ایثار به ترتیب برابر با ۱۲/۳۶ و ۲/۳۱ و میانگین و انحراف استاندارد این خرده مقیاس در گروه افراد سالم برابر با ۱۱/۷۸ و ۳ بوده است.

نتایج آزمون شاپیرو- ویلک جهت بررسی پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات مقیاس سبک های دلبستگی در دو گروه افراد دارای اختلال شخصیت خوشه C و افراد سالم در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. آزمون شاپیرو- ویلک جهت ارزیابی نرمال بودن توزیع نمرات مقیاس سبک های دلبستگی

شاپیرو- ویلک			گروه	متغیر
معناداری	درجه آزادی	آماره		
۰/۲۵۷	۵۰	۰/۹۷۱	اختلال شخصیت C	ایمن
۰/۶۸۰	۵۰	۰/۹۸۳	سالم	
۰/۲۳۷	۵۰	۰/۹۷۰	اختلال شخصیت C	ناایمن اجتنابی
۰/۱۷۴	۵۰	۰/۹۶۷	سالم	
۰/۴۷۹	۵۰	۰/۹۷۸	اختلال شخصیت C	ناایمن دوسوگرا
۰/۰۵۴	۵۰	۰/۹۵۵	سالم	

همانطور که جدول ۳ نشان می دهد، آزمون شاپیرو- ویلک برای هیچ یک از ابعاد مقیاس سبک های دلبستگی در هیچ یک از دو گروه معنادار نشده و لذا پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در این موارد تأیید شده است ($p < 0.05$). نتایج آزمون شاپیرو- ویلک جهت بررسی پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات مقیاس طرحواره های ناسازگار اولیه در دو گروه افراد دارای اختلال شخصیت خوشه C و افراد سالم در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. آزمون شاپیرو- ویلک جهت ارزیابی نرمال بودن توزیع نمرات مقیاس طرحواره های ناسازگار اولیه

شاپیرو- ویلک			گروه	متغیر
معناداری	درجه آزادی	آماره		
۰/۰۰۰	۵۰	۰/۸۹۵	اختلال شخصیت C	محرومیت هیجانی
۰/۰۰۰	۵۰	۰/۷۹۱	سالم	
۰/۱۲۵	۵۰	۰/۹۶۴	اختلال شخصیت C	رهاشدگی
۰/۰۰۷	۵۰	۰/۹۳۲	سالم	
۰/۰۰۵	۵۰	۰/۹۲۸	اختلال شخصیت C	بی اعتمادی- بد رفتاری

۰/۰۰۰	۵۰	۰/۸۹۵	سالم	
۰/۰۰۳	۵۰	۰/۹۲۲	اختلال شخصیت C	انزوای اجتماعی - بیگانگی
۰/۰۰۰	۵۰	۰/۸۸۳	سالم	
۰/۰۰۱	۵۰	۰/۹۱۳	اختلال شخصیت C	نقص - شرم
۰/۰۰۰	۵۰	۰/۸۹۴	سالم	
۰/۰۳۰	۵۰	۰/۹۴۹	اختلال شخصیت C	شکست خورده
۰/۰۰۰	۵۰	۰/۸۹۳	سالم	
۰/۰۰۱	۵۰	۰/۹۰۵	اختلال شخصیت C	وابستگی - بی کفایتی
۰/۰۰۰	۵۰	۰/۸۹۶	سالم	
۰/۰۰۰	۵۰	۰/۸۴۸	اختلال شخصیت C	آسیب پذیری در برابر ضرر و بیماری
۰/۰۰۰	۵۰	۰/۹۰۰	سالم	
۰/۰۰۵	۵۰	۰/۹۳۰	اختلال شخصیت C	گرفتار
۰/۰۰۱	۵۰	۰/۹۰۹	سالم	
۰/۰۰۰	۵۰	۰/۸۷۸	اختلال شخصیت C	اطاعت
۰/۰۰۰	۵۰	۰/۸۸۸	سالم	
۰/۰۰۰	۵۰	۰/۸۸۵	اختلال شخصیت C	ایثار
۰/۱۵۵	۵۰	۰/۹۶۶	سالم	
۰/۰۱۵	۵۰	۰/۹۴۱	اختلال شخصیت C	بازداری هیجانی
۰/۰۰۷	۵۰	۰/۹۳۳	سالم	
۰/۱۹۸	۵۰	۰/۹۶۸	اختلال شخصیت C	معیارهای سرسختانه
۰/۰۰۷	۵۰	۰/۹۳۳	سالم	
۰/۴۰۳	۵۰	۰/۹۷۶	اختلال شخصیت C	استحقاق
۰/۰۰۰	۵۰	۰/۸۱۵	سالم	
۰/۰۳۰	۵۰	۰/۹۴۹	اختلال شخصیت C	خوابشستن داری - خودانضباطی ناکافی
۰/۰۰۰	۵۰	۰/۸۹۲	سالم	

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می شود، به غیر از نمرات خرده مقیاس های رهاشدگی، معیارهای سرسختانه و استحقاق در گروه افراد دارای اختلال شخصیت خوشه C و نمرات خرده مقیاس ایثار در گروه افراد سالم، آزمون شاپیرو- ویلک برای بقیه نمرات خرده مقیاس های مقیاس طرحواره های ناسازگار اولیه در هر دو گروه معنادار شده و بنابر این پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات برای اکثر خرده مقیاس های این مقیاس تأیید نشده است ($P > 0.05$). در چنین شرایطی به دلیل تساوی تعداد افراد دو گروه و همچنین فاصله ای بودن مقیاس اندازه گیری برای متغیرهای وابسته پژوهش، همچنان می توان از روش های آماری پارامتریک همانند روش تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) برای تحلیل استنباطی داده ها استفاده نمود، هرچند که به علت عدم توزیع نرمال در اکثر خرده مقیاس های مقیاس طرحواره های ناسازگار اولیه، بهتر است برای اطمینان بیشتر از روش های آماری ناپارامتریک نیز استفاده گردد. از این رو در بخش استنباطی داده ها در مورد متغیر هایی که این

پیش فرض در مورد آنها تأیید نشده از آزمون ناپارامتریک یومان ویتنی استفاده شد تا مشاهده گردد رعایت نکردن این پیش فرض چه تأثیری می تواند بر روی نتایج داشته باشد.

نتایج آزمون لامبدای ویکلز (MANOVA) برای بررسی میانگین نمرات متغیرهای وابسته سبک های دل بستگی، طرحواره های ناسازگار اولیه در دو گروه افراد مبتلا به اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. نتایج آزمون لامبدای ویکلز (MANOVA) برای میانگین نمرات متغیرهای مورد مطالعه در دو گروه

آزمون	مقدار	F	درجه آزادی فرض	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آماری
لامبدای ویکلز	۰/۲۲۹	۸/۵۵۲	۲۸	۷۱	۰/۰۰۰۱	۰/۷۷۱	۱

همانطور که در جدول ۵ قابل مشاهده است، آزمون لامبدای ویکلز (MANOVA) بیانگر آن است که حداقل در یکی از متغیرهای وابسته بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/05$). اندازه اثر ۰/۷۷۱ بیانگر آن است که ۷۷/۱٪ از کل واریانس یا تفاوت نمرات متغیرهای وابسته پژوهش ناشی از عضویت گروهی بوده است. توان آماری ۱ نیز بیانگر دقت بالای آزمون و کفایت حجم نمونه می باشد.

نتایج حاصل از تحلیل واریانس چند متغیره نمرات ابعاد مقیاس سبک های دل بستگی در دو گروه اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم در جدول ۶، نشان داده شده است.

جدول ۶. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نمرات ابعاد مقیاس سبک های دل بستگی در دو گروه

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری	اندازه اثر	توان آماری
ایمن	گروه	۵۴۷/۵۶۰	۱	۵۴۷/۵۶۰	۱۸/۹۸۸	۰/۰۰۰۱	۰/۱۶۲	۰/۹۹۱
ناایمن اجتنابی	گروه	۳۱۶/۸۴۰	۱	۳۱۶/۸۴۰	۲۷/۰۲۸	۰/۰۰۰۱	۰/۲۱۶	۰/۹۹۹
ناایمن دوسوگرا	گروه	۴۲۰/۲۵۰	۱	۴۲۰/۲۵۰	۲۲/۰۴۰	۰/۰۰۰۱	۰/۱۸۴	۰/۶۳۳

همانطور که جدول ۶ نشان می دهد، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات ابعاد سبک دل بستگی ایمن، سبک دل بستگی ناایمن اجتنابی و سبک دل بستگی ناایمن دوسوگرا در دو گروه اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم وجود دارد ($p < 0/05$). اندازه های اثر ۰/۱۶۲، ۰/۲۱۶ و ۰/۱۸۴ به ترتیب بیانگر آن است که ۱۶/۲ درصد، ۲۱/۶ درصد و ۱۸/۴ درصد از کل واریانس یا تفاوت نمرات ابعاد سبک دل بستگی ایمن، سبک دل بستگی ناایمن اجتنابی و سبک دل بستگی ناایمن دوسوگرا ناشی از عضویت گروهی بوده است. توان آماری نسبتاً بالا در همه ابعاد مقیاس سبک های دل بستگی، دقت بالای آزمون و کفایت حجم نمونه را نشان می دهد.

نتایج حاصل از تحلیل واریانس چند متغیره نمرات خرده مقیاس های مقیاس طرحواره های ناسازگار اولیه در دو گروه اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم در جدول ۷، نشان داده شده است.

جدول ۷. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نمرات خرده مقیاس های طرحواره های ناسازگار اولیه در دو گروه

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	اندازه اثر	توان آماری
محرومیت هیجانی	گروه	۳۶۱	۱	۳۶۱	۵۲/۴۱۵	۰/۰۰۰۱	۰/۳۴۸	۱
رهاشدگی	گروه	۲۲۲/۰۱۰	۱	۲۲۲/۰۱۰	۲۷/۸۶۱	۰/۰۰۰۱	۰/۲۲۱	۰/۹۹۹
بی اعتمادی - بدرفتاری	گروه	۶۵/۶۱۰	۱	۶۵/۶۱۰	۱۰/۸۴۰	۰/۰۰۱	۰/۱۰۰	۰/۹۰۳
انزوای اجتماعی - بیگانگی	گروه	۲۳۱/۰۴۰	۱	۲۳۱/۰۴۰	۴۲/۷۲۴	۰/۰۰۰۱	۰/۳۰۴	۱
نقص - شرم	گروه	۸۴/۶۴۰	۱	۸۴/۶۴۰	۱۲/۵۶۰	۰/۰۰۱	۰/۱۱۴	۰/۹۳۹
شکست خورده	گروه	۱۷۶/۸۹۰	۱	۱۷۶/۸۹۰	۱۶/۳۰۳	۰/۰۰۰۱	۰/۱۴۳	۰/۹۷۹
وابستگی - بی کفایتی	گروه	۱۶۶/۴۱۰	۱	۱۶۶/۴۱۰	۳۰/۳۲۵	۰/۰۰۰۱	۰/۲۳۶	۱
آسیب پذیری در برابر ضرر و بیماری	گروه	۱۴۱/۶۱۰	۱	۱۴۱/۶۱۰	۲۱/۷۹۰	۰/۰۰۰۱	۰/۱۸۲	۰/۹۹۶
گرفتار	گروه	۲۹۵/۸۴۰	۱	۲۹۵/۸۴۰	۴۳/۰۶۹	۰/۰۰۰۱	۰/۳۰۵	۱
اطاعت	گروه	۱۶۶/۴۱۰	۱	۱۶۶/۴۱۰	۲۷/۳۵۸	۰/۰۰۰۱	۰/۲۱۸	۰/۹۹۹
ایثار	گروه	۸/۴۱۰	۱	۸/۴۱۰	۱/۱۷۴	۰/۲۸۱	۰/۰۱۲	۰/۱۸۹
بازداری هیجانی	گروه	۲۱۶/۰۹۰	۱	۲۱۶/۰۹۰	۳۲/۹۶۵	۰/۰۰۰۱	۰/۲۵۰	۱
معیارهای سرسختانه	گروه	۲۷/۰۴۰	۱	۲۷/۰۴۰	۳/۷۱۱	۰/۰۵۷	۰/۰۳۶	۰/۴۷۹
استحقاق	گروه	۱۹/۳۶۰	۱	۱۹/۳۶۰	۲/۰۲۳	۰/۱۵۸	۰/۰۲۰	۰/۲۹۱
خویشتن داری - خودانضباطی ناکافی	گروه	۲۴۳/۳۶۰	۱	۲۴۳/۳۶۰	۲۸/۷۱۲	۰/۰۰۰۱	۰/۲۲۷	۱

همانطور که در جدول ۷ مشاهده می شود، به جز در خرده مقیاس های ایثار، معیارهای سرسختانه و استحقاق، بین میانگین نمرات دیگر خرده مقیاس های مقیاس طرحواره های ناسازگار اولیه در دو گروه اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0.05$)، اندازه های اثر ۰/۳۴۸، ۰/۲۲۱، ۰/۱۰۰، ۰/۳۰۴، ۰/۱۱۴، ۰/۱۴۳، ۰/۲۳۶، ۰/۱۸۲، ۰/۳۰۵، ۰/۲۱۸، ۰/۲۵۰ و ۰/۲۲۷ به ترتیب نشان دهنده آن است که ۳۴/۸ درصد، ۲۲/۱ درصد، ۱۰ درصد، ۳۰/۴ درصد، ۱۱/۴ درصد، ۱۴/۳ درصد، ۲۳/۶ درصد، ۱۸/۲ درصد، ۳۰/۵ درصد، ۲۱/۸ درصد، ۲۵ درصد و ۲۲/۷ درصد از کل واریانس یا تفاوت نمرات هر یک از خرده مقیاس های محرومیت هیجانی، رهاشدگی، بی اعتمادی - بدرفتاری، انزوای اجتماعی - بیگانگی، نقص - شرم، شکست خورده، وابستگی - بی کفایتی، آسیب پذیری در برابر ضرر و بیماری، گرفتار، اطاعت، بازداری هیجانی و خویشتن داری - خودانضباطی ناکافی ناشی از عضویت گروهی بوده است. توان آماری نزدیک به ۱ برای خرده مقیاس های مقیاس طرحواره های ناسازگار اولیه نشان از دقت قابل قبول آزمون و کفایت حجم نمونه دارد.

نکته: با توجه به اینکه پیش فرض نرمال بودن نمرات در اکثر خرده مقیاس های مقیاس طرحواره های ناسازگار اولیه برای هر دو گروه اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم محقق نشد و همچنین پیش فرض تساوی واریانس ها در نمرات خرده مقیاس های رهاشدگی، انزوای اجتماعی- بیگانگی، نقص- شرم، وابستگی- بی کفایتی، آسیب پذیری در برابر ضرر و بیماری، گرفتار، اطاعت، معیارهای سرسختانه و خویشتن داری- خودانضباطی ناکافی تأیید نگشت، بنابراین در اینجا از آزمون ناپارامتریک یومان ویتنی برای مقایسه این دو گروه استفاده می شود.

جدول ۸. نتایج تحلیل یومان ویتنی نمرات خرده مقیاس های طرحواره های ناسازگار اولیه در دو گروه

معناداری	Z	ویلکاکسون	یومان ویتنی	متغیر
۰/۰۰۰۱	-۶/۰۹۴	۱/۵۶۲	۳۷۷	محرومیت هیجانی
۰/۰۰۰۱	-۴/۸۵۹	۱/۸۲۶	۵۵۰/۵۰	رهاشدگی
۰/۰۱۲	-۲/۵۲۵	۲/۱۶۶	۸۹۱/۵۰	بی اعتمادی- بدرفتاری
۰/۰۰۰۱	-۵/۶۳۲	۱/۷۱۸	۴۴۳/۵۰	انزوای اجتماعی- بیگانگی
۰/۰۰۱	-۳/۴۲۰	۲/۰۳۸	۷۶۳/۵۰	نقص- شرم
۰/۰۰۰۱	-۴/۳۵۰	۱/۹۰۲	۶۲۶/۵۰	شکست خورده
۰/۰۰۰۱	-۵/۱۲۱	۱/۷۹۴	۵۱۹/۵۰	وابستگی- بی کفایتی
۰/۰۰۰۱	-۴/۵۶۲	۱/۸۷۴	۵۹۸/۵۰	آسیب پذیری در برابر ضرر و بیماری
۰/۰۰۰۱	-۵/۵۴۰	۱/۷۲۸	۴۵۲/۵۰	گرفتار
۰/۰۰۰۱	-۴/۷۶۴	۱/۸۴۴	۵۶۹/۵۰	اطاعت
۰/۱۷۲	-۱/۳۶۷	۲/۳۲۹	۱/۰۵۴	ایثار
۰/۰۰۰۱	-۵/۱۶۹	۱/۷۷۹	۵۰۴	بازداری هیجانی
۰/۰۳۸	-۲/۰۷۴	۲/۲۲۶	۹۵۱	معیارهای سرسختانه
۰/۰۲۰	-۲/۳۲۴	۲/۱۹۰	۹۱۵	استحقاق
۰/۰۰۰۱	-۵/۴۴۱	۱/۷۴۰	۴۶۵/۵۰	خویشتن داری- خودانضباطی ناکافی

همانطور که در جدول ۸ مشاهده می شود، با توجه به آنکه در آزمون یومان ویتنی نیز نتایج تقریباً مشابهی (با این تفاوت که در آزمون یومان ویتنی خرده مقیاس های طرحواره های معیارهای سرسختانه و استحقاق نیز معنادار شده اند) با آزمون تحلیل واریانس چند متغیره به دست آمد و نتایج نشان دهنده تفاوت معنادار بین میانگین نمرات خرده مقیاس های مقیاس طرحواره های ناسازگار اولیه در دو گروه می باشد ($P < 0.05$)، پس عدم رعایت پیش فرض های نرمال بودن و تساوی واریانس ها اثری بر نتایج نداشته است.

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش مقایسه سبک‌های دلبستگی و طرحواره های ناسازگار اولیه در بیماران مبتلا به اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم شهر اصفهان بود. نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات سبک های دلبستگی، طرحواره های ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی در افراد مبتلا به اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به آزمون لامبدای ویکلز (MANOVA) $p < .05$ پذیرفته و با اطمینان (۰/۹۹). مورد تایید قرار می گیرد. آزمون لامبدای ویکلز (MANOVA) بیانگر آن است که حداقل در یکی از متغیرهای وابسته بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد ($p < .05$)، لذا این فرضیه تأیید می شود. اندازه اثر ۰/۷۷۱ بیانگر آن است که ۷۷/۱٪ از کل واریانس یا تفاوت نمرات متغیرهای وابسته پژوهش ناشی از عضویت گروهی بوده است. توان آماری ۱ نیز بیانگر دقت بالای آزمون و کفایت حجم نمونه می باشد. این نتیجه با تحقیقات پور محمد و همکاران (۱۳۹۱)، واتز^۱ (۲۰۰۳)، تیم^۲ (۲۰۱۰)، میسون^۳ (۲۰۰۵)؛ به نقل از بشارت، (۱۳۸۸)، بالبی و همکاران (۲۰۰۱)؛ به نقل از ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۷) و اندوز و حمیدپور (۱۳۸۹)، همسو است. بالبی معتقد است (۱۹۹۲)؛ به نقل از اندوز و حمیدپور (۱۳۸۹)، تحول دلبستگی زمینه ساز شکل‌گیری شخصیت به هنجار و یا نابهنجار در افراد است به نظر می‌رسد در افراد مبتلا به اختلالات شخصیت الگوهای عملی درونی از «خود» و «دیگری» ناکارآمد بوده و به روزآوری نشده باشند. در نتیجه انعطاف ناپذیر بوده و پردازش اطلاعات را دفاعی و انتخابی کرده و تحول را به درون مسیر غیر بهینه منحرف می‌سازند این فرآیندهای دفاعی زمینه انواع اختلالات را در شخصیت فرد فراهم می‌سازند. از آنجا که طرحواره ها بنیادهای شناختی فرد را تشکیل داده و می‌توانند رفتارهای فرد را شکل داده و به آن سمت و سو دهند، لذا می‌توان بین طرحواره های ناسازگار اولیه به‌عنوان بخش زیرین و سخت شناخت‌های افراد که اغلب در دوره‌های تحولی رشد شکل گرفته‌اند، با رفتارهای ناسازگارانه در مقاطع بعدی رشد افراد، رابطه برقرار کرد (ویلبرگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ به نقل از اویسی و بخشانی، ۱۳۹۱). همچنین نتایج نشان داد که بین سبک های دلبستگی، اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین تفاوت معناداری بین میانگین نمرات ابعاد سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا در دو گروه اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم مشاهده شد ($p < .05$). اندازه های اثر ۰/۱۶۲، ۰/۲۱۶ و ۰/۱۸۴ به ترتیب بیانگر آن است که ۱۶/۲ درصد، ۲۱/۶ درصد و ۱۸/۴ درصد از کل واریانس یا تفاوت نمرات ابعاد سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا ناشی از عضویت گروهی بوده است. توان آماری نسبتاً بالا در همه ابعاد مقیاس سبک های دلبستگی، دقت بالای آزمون و کفایت حجم نمونه را نشان می‌دهد. این نتیجه با تحقیقات خانجانی و همکاران (۱۳۹۱) و بالبی (۱۹۹۲) همسو است. بالبی (۱۹۹۲)، معتقد است تحول دلبستگی زمینه ساز شکل‌گیری شخصیت به هنجار و یا نابهنجار در افراد است به نظر می‌رسد در افراد مبتلا به اختلالات شخصیت الگوهای عملی درونی از «خود» و «دیگری» ناکارآمد بوده و به روزآوری نشده باشند. در نتیجه انعطاف ناپذیر بوده و پردازش اطلاعات را دفاعی و انتخابی کرده و تحول را به درون مسیر غیر بهینه منحرف می‌سازند این فرآیندهای دفاعی زمینه انواع اختلالات را در شخصیت فرد فراهم می‌سازند. همچنین نتایج نشان داد که بین طرحواره های ناسازگار اولیه اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم تفاوت معناداری مشاهده شد. همانطور که در جدول ۷ مشاهده شد، به جز در خرده مقیاس های ایثار، معیارهای سرسختانه و استحقاق، بین میانگین نمرات دیگر خرده مقیاس های مقیاس طرحواره های ناسازگار اولیه در دو گروه اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم تفاوت معناداری وجود دارد ($p < .05$)، اندازه های اثر ۰/۳۴۸، ۰/۲۲۱، ۰/۱۰۰، ۰/۳۰۴، ۰/۱۱۴، ۰/۱۴۳، ۰/۲۳۶، ۰/۱۸۲، ۰/۳۰۵، ۰/۲۱۸، ۰/۲۵۰ و ۰/۲۲۷ به ترتیب نشان دهنده آن است که ۳۴/۸ درصد، ۲۲/۱ درصد، ۱۰ درصد، ۳۰/۴ درصد، ۱۱/۴ درصد، ۱۴/۳ درصد، ۲۳/۶ درصد، ۱۸/۲ درصد، ۳۰/۵ درصد، ۲۱/۸ درصد، ۲۵ درصد و ۲۲/۷ درصد از کل واریانس یا تفاوت نمرات هر یک از خرده مقیاس های محرومیت هیجانی، رهاشدگی، بی اعتمادی- بدرفتاری، انزوای اجتماعی- بیگانگی، نقص- شرم، شکست خورده، وابستگی-

¹ Watts² Team³ Mason

بی کفایتی، آسیب پذیری در برابر ضرر و بیماری، گرفتار، اطاعت، بازداری هیجانی و خویشتن داری- خود انضباطی ناکافی ناشی از عضویت گروهی بوده است. نتیجه با تحقیقات میسون^۱ (۲۰۰۵؛ به نقل از بشارت، ۱۳۸۸)، اندوز و حمیدپور (۱۳۸۹)، همسو است. نوعی از شناخت‌ها که در رابطه با اختلالات شخصیت مهم می‌باشند طرحواره‌ها هستند. طرحواره‌ها سازه‌هایی هستند که بر اساس واقعیت یا تجربه شکل می‌گیرند و به‌عنوان واسطه پاسخ‌های رفتاری افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (اپشتاین و باکوم، ۲۰۰۸، به نقل از یوسفی و همکاران ۱۳۸۹). طرحواره‌ها از ابتدای زندگی شکل گرفته و در تمام طول زندگی، فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (یانگ، ۱۹۹۴). طرحواره‌های ناسازگار اولیه باورهایی هستند که افراد درباره خود و دیگران و محیط دارند، و به‌طور معمول از ارضا نشدن نیازهای اولیه به‌خصوص نیازهای عاطفی در دوران کودکی سرچشمه می‌گیرند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در بیماران مبتلا به اختلالات شخصیت خوشه C و افراد سالم تفاوت وجود دارد. لذا در تعمیم نتایج به سایر شهرهای دیگر باید محتاط بود، به همین دلیل پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابه‌ای در دیگر شهرها انجام شود.

منابع

منابع فارسی

- انجمن روانپزشکی آمریکا (۲۰۱۳). راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی . (DSM-5) . ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۹۳). تهران: نشر روان.
- اویسی، علی؛ بخشانی، نورمحمد (۱۳۹۱). مقایسه ی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مردان وابسته به مواد اپیویدی شهر زاهدان. مجله اصول بهداشت روانی، سال چهاردهم، شماره ۲، صص (۷-۱۶۴).
- اندوز، زهرا؛ حمید پور، حسن (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه ، سبک دلبستگی، رضایت زناشویی زوج‌ها، خلاصه مقالات دومین گنکره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران. دانشگاه شهید بهشتی ، شماره ۱۴ صص ۱۴-۳۶.
- بهاری، سیف‌اله؛ شیرخانی، محمد (۱۳۸۹). رابطه ی ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی با خطر جویی در جوانان. فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال چهارم، شماره سوم، ۲۹-۴۵.
- بشارت، محمد علی. (۱۳۸۸). تبیین اختلال‌های شخصیت بر اساس نظریه دلبستگی. مجله روانشناسی معاصر. سال اول. شماره ۲.
- پورمحمد، وحیده؛ یعقوبی، حسن؛ یوسفی، رحیم؛ محمدزاده، علی؛ نجفی، محمود (۱۳۹۱). مقایسه ی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک زندگی در افراد وابسته به مواد و افراد عادی. فصلنامه اعتیاد پژوهی سوءمصرف مواد، سال هفتم، شماره بیست و هفتم.

¹ Mason

- خانجانی، زینب؛ حسینی نسب، سیدداوود؛ کاظمی، آمنه سادات؛ پناه، علی امیر (۱۳۹۱)، سبکهای دلبستگی و اختلالات شخصیت: تحلیلی بر نقش نا ایمنی دلبستگی بر اختلالات شخصیت خوشه B و C، فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی شماره هفتم، سال دوم، ۹۸-۱۱۸.
- خادمی، مژگان (۱۳۸۹). اختلال دوقطبی در کودکان و نوجوانان، تهران، نشر قطره، چاپ اول.
- روزنهان، دیوید؛ سلیگمن، مارتین. (۱۳۹۱). روان شناسی نابهنجاری، آسیب شناسی روانی براساس DSM - IV . مترجم، یحیی سیدمحمدی، ناشر، ساوالان.
- کارلوپریس، پاتریک؛ دومک، گوری . (۱۳۸۶). روان درمانی شناختی بیماران روان پریش اختلالها شخصیت، ترجمه روشن، رسول، قنبری، قاسم، شمشادی، آزیتا، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ذولفقاری مطلق، مصطفی، جزایری، علیرضا، مظاهری، محمدعلی؛ خوشابی، کتایون؛ کریملو مسعود (۱۳۹۱)، مقایسه سبک دلبستگی، ویژگی های شخصیتی و خصیصه اضطراب در مادران کودکان دارای اختلال اضطراب جدایی و سالم، فصلنامه خانواده پژوهی، سال ششم، ۷۰۸_۷۱۸.
- یوسفی، رحیم؛ عابدین، علیرضا؛ تیرگری، عبدالحکیم؛ فتح آبادی، جلیل (۱۳۸۹)، اثربخشی مداخله آموزشی مبتنی بر طرحواره ها در اختلالات شخصیت. مجله روانشناسی بالینی، سال دوم، شماره ۳، صص ۳۷-۲۵.

منابع لاتین

- Ainsworth, M. D. S. (2003). Patterns of Attachment: A psychological study Beliefs between Females with Opium Dependency and Female common mental disorders in primary care. *Journal of Affective Disorder*, 75, 269-78.
- Bowlby, J. (1992). *Attachment and loss. Loss (Vol. III)*. New York: Basic Books.
- Davidson Sarah; Carol Ireland..(2009). the relationship between attachment styles, Ellis, a. (2006). *Rational- emotive treatment of simple phobias. Psychotherapy*, 28, 452- 456.
- Hazan,C.,& shaver,P.R. ,(1987)."Romantic love conceptualized as an attachment process" .*Journal of Personality and Social Psychology*,52,511-524.
- Platts, H., Tyson, M., Mason, O. ,(2005). Early maladaptive schemas.and adult attachment in a UK clinical sample. *Psychology andvbychtherapy; Theory research and practice* 78; 549-564.
- Watts, R. E. ,(2003). *Adlerian, cognitive, and constructivist therapies: an integrative dialogue*. Springer Publishing Company.
- Young JE. (2005). *Young Schema Questionnaire–Short Form*. New York: Schema Therapy Institute.
- Young J, Marjorie E, Weishaar ME ,(2003). *Schema Therapy a Practitioner’s Guide*. New York: The Guilford Press.
- Young,JE. ,(1994). *Schema Therapy: Conceptual Model*, Available in www.therapist-training.com.au /young.pdf

Global Conference

on

New Horizons in
Humanities, Future Studies
and Empowerment

2016 January 28